

مي خواهم درباره دو نفر از دوستانم با شما صحبت كنم كه آنها را از دوران كودكي مي شناسم، افراي از محله قديمي مان در نيومكزيكو. اين دو نفر با هم بزرگ شدند، با هم به مدرسه رفتند، با هم فارغ التحصيل شدند و همچنين در خوابگاه دانشگاه هم اتاقي بودند. هر دوي آنها افراد با شخصيت و جذابي بودند... اغلب اوقات به اين دو نفر فكر مي كنم، زيرا مي دانم كه مي توانستم جاي هر يك از آنها باشم. در واقع بودم. زيرا بخشي از اين داستان را جا انداختم. دليل اين كه آن دو در تمام آن سال ها هم اتاقي بودند، و دليل اينكه امروز هنوز هم با يكديگر در تماس اند، اين است كه آنها يك نفرند. بله، هر دوي آنها من هستم.